

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲۰ دعای بی‌نفس، افسسیان ۱:۳-۱۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت ©

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه بیستم، دعای بی‌نفس، افسسیان ۱:۳-۱۴ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد افسسیان خوش آمدید.

تا اینجا به مقدمه‌ی افسسیان پرداختیم و در دو ساعت مطالعه‌ی گذشته، شما با پیشینه‌ی گسترده‌تر افسسیان آشنا شدید و چند آیه‌ی اول افسسیان را مرور کردیم. اگر جلسه‌ی قبل در مورد افسسیان را به خاطر داشته باشید، من فصل ۱ را از آیات ۳ تا ۱۴ خواندم. بنابراین، کاری که در این جلسه انجام خواهیم داد این است که به آن سطر خاص، که در واقع یک جمله در یک متن یونانی است، نگاهی بیندازیم و حالا که درک خوبی از طرح کلی که قبلاً به شما نشان دادم، دارید، شروع به باز کردن برخی موارد کنیم.

بنابراین، بیایید نگاهی به برخی از نکات کلیدی اینجا، به ویژه از آیه ۳، بیندازیم. در آیه ۳، متن با عبارت «متبارک باد خدایی که ما را در قلمروهای آسمانی با هر نعمت روحانی برکت داده است» شروع می‌شود. اجازه دهید توجه شما را به زمینه‌های اینجا جلب کنم. بیایید خدا را ستایش کنیم.

اساس آن چیست؟ زیرا او ما را برکت داده است. به عبارت دیگر، متبرکان اکنون خدا را متبرک می‌کنند زیرا او واقعاً آنها را برکت داده است. محتوای آن این است که او آنها را با هر نعمت معنوی برکت داده است.

به یاد دارم که به عنوان دانشجوی، در کلاسی در مورد افسسیان شرکت می‌کردم و استاد، استادی بسیار مشهور که حتی امروزه در یک موسسه بسیار معتبر تدریس می‌کند، سعی می‌کرد به عنوان یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی، هر نعمت معنوی آن زمان را توضیح دهد. و من کم‌کم متوجه شدم که چه مبارزهای بوده است، کسی که در یک کشور غربی بزرگ شده بود و چندان درگیر ابعاد جامعه‌شناختی آنچه در جهان باستان، فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی آسیای صغیر غربی در آن زمان و مبارزه بر سر نعمت‌های معنوی نبود. و او این را توضیح داد، و تا حد زیادی هم خوب عمل کرد.

بعدها، وقتی تحقیقاتم را به افسسیان اختصاص دادم، کم‌کم متوجه شدم که این جمله چه جمله‌ی غنی‌ای است. متبارک باد خداوندی که ما را با هر نعمت روحانی برکت داده است. پس، اجازه دهید فقط این را روشن کنم.

هر نعمت معنوی. اگر در قرن اول در افسس زندگی می‌کردید، همانطور که از بحث مقدماتی ما به یاد دارید، کم‌کم متوجه می‌شوید که همه چیز در زندگی با فعالیت معنوی مرتبط است. کشاورز برای موفقیت به حمایت معنوی نیاز دارد.

دختر جوان برای یافتن شوهری خوب به حمایت معنوی نیاز دارد. تاجران به کمک معنوی نیاز دارند. حتی ورزشکار نیز از طلسم جادویی برای پیروزی استفاده می‌کند.

در جامعه‌ای که فرد احساس می‌کند برای برتری به یک قدرت معنوی در کنار خود نیاز دارد، زیرا شخص دیگری در تلاش است تا از یک قدرت معنوی برای پایین کشیدن او یا رقابت یا پیشی گرفتن از او استفاده کند، نعمت‌های معنوی بسیار مهم هستند. و هر آنچه که یک فرد دارد و قادر به انجام آن است، نه تنها به

عنوان کاری که خودش انجام داده است، بلکه به عنوان چیزی که توسط عامل معنوی نیز به او اعطا می‌شود، درک می‌شود، چه خدایی که در خانه‌های خود دارد، چه الهه یا معبد خاصی که برایش قربانی می‌کند و برخی از آنها حتی ممکن است برای انجام نوعی قربانی شکرگزاری به این خدایان به خاطر کارهای بزرگی که برایشان انجام داده‌اند، بازگردند.

پولس گفت که برای کلیسای افسس، ما باید خدا را ستایش کنیم زیرا او ما را ستایش کرده است. یکی از چیزهای بزرگی که او به ما بخشیده و باید قبل از اینکه حتی جزئیات را بررسی کنیم، بدانیم این است که او ما را با برکات معنوی ستایش کرده است. اما نه برخی از برکات معنوی

این یک برکت روحانی نیست. اما او ما را با هر برکت روحانی برکت داده است. بیایید او را برکت دهیم

آنچه را که در غیر این صورت از معبد آرتمیس نیاز داشتیم، او به ما برکت داده است. آنچه را که در غیر این صورت از معبد دمیتر نیاز داشتیم، او به ما برکت داده است. آه، معبد زئوس در افسس بود

لازم نیست به آنجا بروی، زیرا خداوند تمام نعمت‌های معنوی مورد نیازت را به تو عطا کرده است. اگر محافظت است، او تو را مورد لطف قرار داده است. لازم نیست در ترس زندگی کنی

می‌توانید به زندگی‌تان برسید. او. متبارک باد خداوندی که ما را با هر نعمت معنوی در مکانی خاص، در قلمرویی خاص، در فضایی خاص، برکت داده است

او ما را در قلمروهای آسمانی، در خداوند عیسی مسیح، با هر نعمت روحانی برکت داده است. تا زمانی که در مسیح هستیم، از هر نعمت روحانی برخورداریم

بیایید خدا را به خاطر این موضوع شکر کنیم. می‌توانید تصور کنید که چرا پولس جمله‌ای طولانی نوشته است اگر جمله‌اش این‌طور شروع می‌شود؟ به همین دلیل است که من آن را دعای نفس‌گیر می‌نامم. او به شهری با ۵۰ معبد بت‌پرستان، فعالیت‌های جادویی و همه این چیزها نگاه می‌کند و به آنچه خدا برای فرزندان خدا انجام داده است، نگاه می‌کند

و او ادامه می‌دهد که، می‌دانید چیست؟ خدا ما را برکت داده است. بیایید نام او را متبارک بخوانیم. او ما را در خداوند عیسی مسیح برکت داده است

و او ما را در قلمروهای آسمانی برکت داده است. قلمرو آسمانی مفهومی است که امیدوارم در جریان بحثمان در افسسیان، زمانی را در جایی داشته باشم تا بیشتر آن را بشکافم. مفهوم قلمروهای آسمانی مفهومی نیست. که مانند یک مکان یا چیزی شبیه به آن باشد

این یک درک کیهان‌شناختی از جهان باستان است که می‌گوید، در جهان، یک بُعد معنوی از جهان وجود دارد. بُعد معنوی در عوالم آسمانی است. گاهی اوقات، این قلمرو بر اساس مراحل تصور می‌شود

در این قلمرو، نیروهای معنوی شر و خیر وجود دارند. این قلمرو نادیده‌ی واقعیت انسانی است. به یاد دارم که در مورد آنچه که من آن را واقعیت دیگر می‌نامم، تحقیق و با برخی از محققان صحبت می‌کردم

و یکی از محققان گفت که این واقعیت نیست زیرا واقعیت چیزی است که ما می‌توانیم با حواس خود ارزیابی کنیم. بله، این درست است. اما برای مسیحیان افسس در قرن اول، واقعیت دیگری وجود داشت

پولس می گوید، واقعیت نادیده دارای قدرت‌های معنوی است که در حال کار هستند و می‌توانند بر آنچه ما روزانه انجام می‌دهیم، چه خوب و چه بد، تأثیر بگذارند. ما در قلمروهای نادیده برکت یافته‌ایم. خداوند ما را با هر نعمت معنوی برکت داده است.

او بعداً نشان خواهد داد که خداوند قدرت دارد هر قدرت معنوی را که سعی در رقابت یا آسیب رساندن به ما داشته باشد، مطیع خود کند. او بر آنها قدرت دارد. در واقع، او مسیح را بر آنها برتری داده است.

و بنابراین، کلیسا می‌تواند آرام بگیرد. هر آنچه در قلمرو معنوی باید از آن ترسید، دیگر چیزی برای ترسیدن نیست. بیایید نام خدا را ستایش کنیم.

ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که گاهی اوقات زندگی به گونه‌ای سپری می‌شود که گویی به خدا نیازی نداریم. گویی هیچ چیز از قلمرو معنوی در اینجا وجود ندارد. من این را طعنه‌آمیز می‌دانم که در جهانی که انسان‌شناسی یا دیدگاه ما از بشریت می‌گوید که انسان‌ها از بدن، روح و روان، یا بدن و روح، یا بدن و روح تشکیل شده‌اند، همان جهان ما را به این باور می‌رساند که وقتی صحبت از نحوه زندگی ما می‌شود، همه چیز مربوط به بدن ماست.

من از نظر مفهومی یا فلسفی با این فکر دست و پنجه نرم کرده‌ام که همان افرادی که می‌گویند جنبه‌ای از بشریت وجود دارد که روح یا روان است، می‌خواهند انکار کنند یا نادیده بگیرند که چیزی به نام قلمرو معنوی یا یک نهاد معنوی یا معنویت وجود دارد که می‌تواند رفاه انسان‌ها را شکل دهد. خوانندگان پولس چنین مشکلی ندارند. آنها معتقدند که بخش معنوی زندگی می‌تواند توسط عوامل معنوی شیطانی انرژی بگیرد، به طور مثبت تحت تأثیر قرار گیرد یا به طور منفی آلوده شود.

او گفت، نام خدا را متبرک کن. لازم نیست نگران همه اینها باشی. تو در جای خوبی هستی.

خدا را شکر کنید چون شما این خدایانی را که قبلاً در مقدمه به شما نشان دادم، می‌شناسید. آسکلپوس، خدای شفا، وقتی بیمار هستید و از این قبیل چیزها، بله، نمی‌توانید به آنجا بروید چون مسیحی هستید نمی‌توانید بروید و به آنها وفادار بمانید یا از آنها درخواست کنید یا برای این خدایان قربانی کنید. نیازی نیست به آنجا بروید.

لازم نیست به الهه شراب بروید. لازم نیست به معبد آرتمیس بروید، اما به برکات معنوی آرتمیس هم نیازی ندارید زیرا از هر نعمت معنوی برخوردار شده‌اید. و من این را از این محقق بریتانیایی که آن را به بهترین شکل بیان کرده، دوست دارم.

این به ویژه اولویت آسمان‌ها است که بالاترین بخش آن مسیح است و درباره قلمروهای آسمانی صحبت می‌کند. در زیر او کلیسا قرار دارد که در مقابل کلیسا قرار دارد، اما همچنان در میان آسمان‌ها قدرت‌ها وجود دارند. آسمان‌ها نمایانگر بُعد متعالی در زندگی انسان هستند که از طریق آن امکانات وجودی گشوده می‌شوند.

امکاناتی که مسیح مظهر آنهاست و قدرت‌هایی که باید با توجه به آنها تصمیمی گرفته شود. اگر مسیح انتخاب شود، مؤمنان خود را هم در آسمان‌ها و هم بالاتر از آنها می‌یابند، زیرا در بدن مسیح و تحت رهبری او هستند. متبارک باد خدا که ما را با هر نعمت معنوی در قلمرو آسمانی برکت داده است.

چرا؟ بگذارید سعی کنم این را به نحوی برای شما باز کنم. او، خدا را شکر. چرا؟ او ما را انتخاب کرد.

او ما را برگزید. او ما را نجات داد و ما را با روح القدس مَهر کرد. بیایید او را متبارک خوانیم

می‌خواهم توجه شما را به چگونگی وقوع این اتفاق جلب کنم تا بتوانید این طرح کلی مختصر را که در اینجا آورده‌ام درک کنید، زیرا از این طرح کلی مختصر برای باز کردن این جمله و چگونگی نمایش آن در اینجا استفاده خواهم کرد. متبارک باد خدا زیرا او ما را انتخاب کرد. وای

آیه ۴. همانطور که او ما را پیش از آفرینش جهان در خود برگزید، ما نیز باید در محبت در حضور او مقدس و بی‌عیب باشیم. او ما را برگزید. این ما هستیم

منظور از همه، جز ما، مؤمنان به مسیح عیسی نیست. او همه مؤمنان، از جمله پولس، را انتخاب کرد. پولس قرار است درباره مسیحیان به عنوان یک کل صحبت کند، نه به عنوان یک گروه خاص از مردم که در جایی پنهان شده‌اند، تا وقتی درباره وحدت صحبت می‌کند، کلیسا بفهمد آنچه خدا برای مردمی که به عیسی مسیح ایمان دارند و به او اعتماد دارند انجام داده است، چیزی است که در هر کجا که مسیحیان یافت شوند، صادق است.

او ما، ما ایمانداران به مسیح را برکت داده است. و شما، شاید با دنبال کردن این مجموعه سخنرانی‌ها که یک مسیحی هستید، جزو ما محسوب می‌شوید. او ما را انتخاب کرده است

او ما را به عنوان یک انتخاب فرعی انتخاب نکرد. بگذارید کسی فکر کند که این یک تصادف است. نه.

او ما را پیش از بنیان جهان برگزید. همیشه نقشه خدا این بوده که ما را انتخاب کند. او، اگر شما یک کالونیست هستید، باید در مورد این موضوع تسبیح بگویید

این تصادفی نیست. او ما را پیش از بنیان جهان برگزید. انگار نه انگار که این مردم بدبخت را دیده که به خدایان دروغین اعتقاد دارند، در انواع فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند و می‌گویند: «من برای شما خیلی متأسفم»

بگذارید امروز تصمیم بگیرم که شما را از این وضعیت بیرون بیاورم. نه، این اتفاقی نیست که افتاده است. این هم سناریویی شبیه به این نیست

انگار خدا در تعطیلات کنار ساحل است، و وقتی در ساحل استراحت می‌کند، کودکی را در حال غرق شدن می‌بیند، و فقط می‌دود و می‌گوید، من باید هر کاری بکنم تا آن کودک را در آن شرایط خاص نجات دهم. نه. این بخشی از نقشه خدا بود

او ما را پیش از بنیان جهان برگزید. همواره نیت و آرزوی او این بوده است که یهودیان و غیریهودیان را در جامعه ایمانی گرد هم آورد. پولس در ادامه این نامه بیشتر به این بحث خواهد پرداخت

خدا نقشه‌ای داشته است که همه مردم در مسیح یکی شوند. همه چیز تحت حاکمیت مسیح قرار خواهد گرفت. این هیجان‌انگیز است

اگر این [وضعیت] تمدید نمی‌شد، همه ما به دردمس می‌افتادیم. او ما را با عشق برگزید، و ما را برگزید تا در پیشگاهش مقدس و بی‌عیب باشیم. این بخشی است که در کلیسای امروزی خطرناک می‌شود

مردم نمی‌خواهند درباره تقدس و بی‌عیب بودن صحبت کنند. اما پولس می‌گوید که باید در آیه ۴ بدانید که او ما را برگزیده است تا مقدس و بی‌عیب باشیم. بیایید سعی کنیم به معنای آن نگاه کنیم

من به شما تصویری واضح از تقدس و بی‌عیب بودن ارائه دادم. مقدس بودن یعنی جدا شدن برای استفاده خدا. جدا شدن به دلیل رفتار در یک جامعه فاسد

من در مورد تقدس به شما از کتاب تثنیه، به عهد عتیق ارجاع دادم، جایی که متن نشان می‌دهد که چگونه قوم خدا باید مقدس باشند. منظور از اینکه آنها برگزیده یا جدا شده‌اند تا مقدس باشند، متن عهد عتیق در تثنیه به ما یادآوری می‌کند که این بدان معناست که آنها نباید مانند جامعه فاسدی باشند که بخشی از آن شده‌اند. آنها باید جدا شوند

جدا شدن به این معنی است که رفتار آنها باید متفاوت باشد. اینگونه خوانده می‌شود: هنگامی که خداوند خدای شما، شما را به سرزمینی که قرار است وارد آن شوید و آن را اشغال کنید، بیاورد و ملت‌های بسیاری را از پیش روی شما پاک کند

اما شما باید با آنها، یعنی با ملت‌ها، اینگونه رفتار کنید: قربانگاه‌هایشان را ویران کنید. ستون‌هایشان را بشکنید

آنها را پرستش نکنید. تیرهای زخمی آنها را التیام بخشید. و بت‌هایشان را با آتش بسوزانید

زیرا شما قوم مقدسی برای خداوند، خدایتان هستید. خداوند، خدایتان، شما را از میان تمام قوم‌های روی زمین برگزیده است تا قوم او و دارایی ارزشمند او باشید. به عبارت دیگر، در طول این فعالیت‌های بت‌پرستانه با آنها معاشرت نکنید

افسسیان می‌گویند او ما را برگزید تا مقدس باشیم، و ما را برگزید تا بی‌عیب، بی‌عیب و نقص باشیم. این تصویر، تصویر حیوانی است که برای قربانی تقدیم می‌شود. حیوان باید بی‌عیب و نقص باشد

حیوان باید بی‌عیب و نقص باشد. بی‌عیبی یک مفهوم اخلاقی دارد و آن بی‌عیب و نقص بودن از نظر اخلاقی است، به طوری که از نظر اجتماعی، مردم شما را بی‌عیب و نقص بدانند. خدا ما را انتخاب کرد

او ما را از جایی برگزید که چندان خوب نیست. اما او همچنین ما را برگزید تا مقدس و بی‌عیب باشیم. وای

متبارک باد خدایی که ما را برکت داده است، خدایی که ما را پیش از آفرینش جهان برگزید تا مقدس و بی‌عیب باشیم. از آیه ۵، او ما را از پیش تعیین کرد تا از طریق عیسی مسیح، بر اساس اراده خود، به عنوان پسرخوانده پذیرفته شویم، تا ستایش شود برای فیض باشکوه او که ما را در وجود عزیزش - همان کلمه فرزندخواندگی که قبلاً به آن اشاره کردم - برکت داده است

فرزندخواندگی، به ویژه در میان رومی‌ها، یک رسم بسیار رایج بود. در میان فرهنگ‌های دیگر نیز فرزندخواندگی رواج داشت. این رسم تفاوت چندانی با فرزندخواندگی به معنایی که ما در دنیای غرب امروزی درک می‌کنیم، ندارد

این درکی نیست که ما در جامعه‌ای که من در آن بزرگ شدم، داریم. وقتی در مورد فرزندخواندگی یا به فرزند پذیرفتن فرزند کسی صحبت می‌کنیم، من می‌توانم فرزند کسی را با درخواست از او برای آمدن و زندگی با خودم به فرزند قبول کنم. من از او مراقبت می‌کنم و ممکن است به او کمک کنم به مدرسه برود

ممکن است به آنها آموزش بدهم. ممکن است تقریباً تا سن ازدواجشان، مانند والدینشان در کنارشان باشم. اگر ازدواج کنند، به زندگی خود ادامه می‌دهند.

آنها خودشان می‌روند. من والدین آنها نیستم. هیچ مدرک قانونی ندارم.

من هیچ الزامی ندارم. والدین آنها هنوز والدینشان هستند. آنها می‌توانند هر زمان که بخواهند برگردند.

این فرهنگی است که من در آن بزرگ شدم. بنابراین، از همان اوایل ۲۱ سالگی، دو نفر در چنین شرایطی زیر نظر من بودند. آنها می‌گفتند این فرزندخواندگی است.

اگر از برخی از آن فرهنگ‌ها آمده‌اید و این سخنرانی‌ها را دنبال می‌کنید، این نوع فرزندخواندگی، آن چیزی نیست که ما اینجا در موردش صحبت می‌کنیم. فرزندخواندگی در اینجا به معنای طی کردن برخی مراحل قانونی است تا فرد وارث مشروع کسی شود که او را به فرزندخواندگی پذیرفته است. کلمه خاصی که پولس است. *uiothesia* در اینجا به طور مؤثر استفاده می‌کند، کلمه یونانی.

به عنوان یک کلمه مذکر، معمولاً برای اشاره به مردانی که به فرزند می‌گیرند، *(Uiothesia)* «کلمه» *uiothesia* پذیرفته می‌شوند، استفاده می‌شود. من از نحوه بیان تیلمن خوشم می‌آید. با این حال، این اصطلاح در دنیای یونانی-رومی رایج بود، جایی که به یک رویه قانونی اشاره داشت که طی آن پدر یک خانواده، فرزند پسر را که فرزند خودش نبود، به عنوان وارث خود می‌پذیرفت.

این کودک حق ارث خواهد داشت. این کودک از تمام امتیازاتی که پدر برای فرزندانش دارد، برخوردار خواهد بود. در این جمله طولانی خواهید دید که پولس به آنها یادآوری می‌کند که نه تنها با ایمان به مسیح عیسی به عنوان فرزندان خدا به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند، بلکه در میراثی نیز سهیم بوده‌اند.

میراث آنها در انتظار آنهاست تا در آینده، در ظهور دوم مسیح، به طور کامل آن را به دست آورند. اما در حال حاضر، آنها به دلیل فرزندخواندگی، از منابع بسیار زیادی برخوردارند. و به همین دلیل است که باید خدا را شکر کنند.

آنها باید خدا را ستایش کنند و او را به خاطر تمام مزایایی که داده است، متبرک سازند. او می‌گوید ما رستگار شده‌ایم. او ما را با این حس رستگاری متبرک کرده است.

بیاید به کلمه رستگاری نگاه کنیم. او ما را در خود، مسیح عیسی، برکت داده است. او با پرداخت بهایی گزاف ما را بازخرید کرد.

آن عبارت خاص، یعنی در او یا توسط او یا از طریق مسیح رستگار شدن، چیزی است که محققان با آن مشکل دارند. شما چگونه آن را ترجمه می‌کنید؟ زیرا اگر بگویید اگر آن را طوری ترجمه کنید که گویی خون مسیح، بهایی بود که برای رستگاری پرداخت شد، پس می‌گویید که فدیهای برای نجات پرداخت شد. حال، بعداً چیزی که پولس نمی‌دانست قرار است در مسیحیت اولیه توسعه یابد.

محققان و رهبران مذهبی مسیحی در حال تدوین آموزه‌ای در مورد کفاره هستند. و دیدگاه‌های متعددی در مورد آموزه کفاره وجود خواهد داشت. و یکی از این دیدگاه‌ها چیزی خواهد بود که ما آن را نظریه فدی می‌نامیم.

نظریه‌ی فدییه با این مسئله دست و پنجه نرم خواهد کرد که آیا بهایی برای رستگاری ما پرداخت شده است و این بها به چه کسی پرداخت شده است. سنت آنسلم کانتربری خواهد گفت، اوه، فکر می‌کنم می‌دانم بها به چه کسی پرداخت شده است. به شیطان پرداخت شده است. خیر

خدا هیچ حقی برای مذاکره با شیطان برای پرداخت بها نداشت. من اینطور فکر نمی‌کنم. نکته پولس در اینجا این نیست که نشان دهد به چه کسی بها پرداخت شده است.

او از زبان استفاده می‌کرد تا به آنها کمک کند تا بهای نجات خود را درک کنند. تا بفهمند که آنها با روش‌های ارزان نجات نیافته‌اند. این کار پرهزینه بود.

برای خدا، این به قیمت جان یگانه پسرش تمام شد تا فرزندخواندگی را برای کسانی که در مسیح هستند ممکن سازد. و اگر این را درک می‌کنید، چرا این دلیل خوبی برای ستایش خدا برای چنین نعمتی نباشد؟ در این رستگاری، او چیز واقعاً جالبی ارائه داده است. بگذارید آن را بخوانم.

در او، ما از طریق خون او رستگاری یافته‌ایم. این بها است. بخشش گناهان ما بر اساس غنای فیض او.

بیاید اینجا مکث کنیم. او بخشش گناهان ما را برای هر آنچه که از نظر گناه مدیون هستیم، در مسیح، از طریق مسیح، از طریق خون او بخشید. در ابتدای فصل ۲، پولس به خوانندگان خود و شاید ما یادآوری می‌کند که ما زمانی مرده، بی‌جان، در گناه و گناهان بودیم، قبل از اینکه خدا مداخله کند.

اما در اینجا، با روحیه ستایش، او می‌خواهد که آنها از این واقعیت که بخشیده شده‌اند، شادی کنند. ما از طریق بهای سنگینی که در جلجتا برای ما پرداخت شد، بخشیده شده‌ایم.

ما برای پایان دادن به آن چه کردیم؟ پولس بعداً به ما خواهد گفت. این فقط به لطف خداست که ما این موفقیت را داریم. او بخشید تا بتواند ما را بازخرد کند.

اوه خدای من، من این را دوست دارم. رستگاری. اصطلاح رستگاری گاهی اوقات به این معنی است که می‌توان از آن برای خرید برده‌ای که کلی بدهی دارد و به بردگی گرفته می‌شود تا بتواند بدهی خود را بپردازد و دوباره به دست آورد، استفاده کرد.

همچنین زبان مرمت است. زبانی است که برای توضیح اینکه چه زمانی یک قطعه جواهر زیبا در سطل زباله گم می‌شود، ده سال آنجا می‌ماند، زنگ می‌زند، زنگ می‌زند و کثیف می‌شود، بدبو می‌شود، زشت می‌شود و می‌توان آن را برداشت، استفاده می‌شود.

آن را برای زرگر بفرست. فرآیند بازگرداندن آن جواهر به حالت اولیه‌اش نیز همان فرآیندی است که زبان رستگاری برای توضیح آن استفاده می‌شود. پولس می‌گوید، متبارک باد خدا زیرا او ما را رستگار کرده و گناهان ما را بخشیده است.

وای. و او این کار را کرده است. به چه طریقی؟ با چه انگیزه‌ای؟ اوه، آیه ۸. که او به وفور به ما ارزانی داشت.

او این کار را در انتهای آیه ۷ بر اساس غنای فیض خود که به وفور به ما ارزانی داشته است، انجام داد. این بر اساس غنا است. من این کلمه را وقتی از کلمه فضل استفاده می‌کنند دوست دارم، زیرا در انگلیسی خوب ترجمه نمی‌شود.

کلمه یونانی، کلمه‌ای است که شما برای ثروت استفاده می‌کنید. بنابراین، در مورد این فکر کنید. خداوند آنقدر فیض فراوانی دارد که درجه و بزرگی گناه شما هنوز هم نمی‌تواند از فیضش کم کند.

و در همین فیض است که او آن فیض را به ما ارزانی داشت. هر آنچه را که مدیونیم ببخش، زیرا او به اندازه کافی دارد که بتواند ببخشد تا ما را رستگار کند و ما را به حالت آزادی برساند. شاید پولس در مورد همه چیزهایی که در دنیای بت‌پرستی مردم در آن غرق شده‌اند، فکر می‌کند.

شاید پولس به انواع گناهایی که مردم خود را در آنها حبس کرده‌اند فکر می‌کرد و گفت، فقط برای اینکه اگر فکر می‌کنید خیلی زیاد است. این فراتر از توانایی خدا برای پرداخت نیست. بله، بها گران بود.

اما او آماده بود که این کار را از طریق فیض انجام دهد. او این کار را از طریق مذاکره یا فریب انجام نداد. او فیض خود را به وفور بر ما ارزانی داشت.

در یکی از مدارسی که تدریس می‌کردم، یک بار به یکی از دانش‌آموزان کلاس در مورد پولس گفتم که پولس از آن دسته افرادی است که در زمان زنده بودن اسامه بن لادن ممکن است بگوید که اگر اسامه بن لادن جان خود را به مسیح بدهد و او را به عنوان خداوند و ناجی خود بپذیرد، پولس می‌گفت، لطف خدا برای بخشش او کافی است. خون زیادی روی دستان اوست. اما او می‌تواند بخشیده شود و می‌تواند در خانواده خدا پذیرفته شود.

کاری که شما انجام داده‌اید، کاری که آنها در متن هر منبعی در مجاورت انجام داده‌اند، چیزی نیست که خدا نتواند ببخشد. گناهی که ما داریم بزرگتر از لطف خدا نیست. از ثروت خود، از سخاوت فیض خود، که به وفور به ما ارزانی داشته است، ما را نجات داد.

متبارک باد خدایی که این را محقق کرد. یکی از محققان در مورد رستگاری اینگونه بیان می‌کند که استفاده دو هستند، که به معنای رستگاری، *they are two aimatos*، *ten apolutrosin* پولس از عبارت یونانی توسط یا از طریق خون اوست، به این معنی است که استعاره رستگاری از بردگی از طریق پرداخت بها برای او زنده بوده است. بعید است که او متوجه نشده باشد که این معنا به راحتی برای خوانندگان غیر یهودی او قابل درک نخواهد بود.

بنابراین، بعید است که او قصد نداشته باشد این معنا را منتقل کند. با این حال، نگرانی اصلی پولس در استفاده از استعاره برای رستگاری، احتمالاً این بود که بیان کند که در مرگ مسیح، خدا با قدرت برای نجات، برای نجات قوم خود آمد، همانطور که در زمان‌های گذشته انجام داده بود و آنها را از دست مصریان، بابلیان و سایر ملت‌ها نجات داد. انگیزه آنجا همین است.

و اگر بخواهم، همانطور که در افسسیان انجام می‌دهم، نمی‌توانم بدون اینکه گاهی اوقات شخصی صحبت کنم، در مورد افسسیان صحبت کنم، پس لطفاً مرا ببخشید. مهم نیست کجا رفته‌اید، مهم نیست چقدر گناه کرده‌اید، مهم نیست اعمال شما چقدر تقصیر به شما تحمیل کرده است، خداوند قادر است شما را با فیض خود ببخشد و رستگار کند. امیدوارم، همانطور که با این کتاب پیش می‌رویم، ماهیت این فیض را درک کنید.

بله، این واقعی است. آیه ۸، که او با تمام حکمت و بصیرت به ما ارزانی داشته است، راز اراده خود را بر ما آشکار کرده است، بر اساس خشنودی که در مسیح مقرر داشته است. همانطور که برای کمال زمان مقرر شده است، تا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، در او جمع کند.

بگذارید فقط به طور خلاصه در مورد این راز توضیح دهم. خدا این راز را بر اساس لطف خود آشکار کرد. او این کار را نکرد.

او تمام کارهایی را که انجام می‌داد از روی اکره نشان نداد. این کارها مطابق میل او بود. او در کار خدا برای اجرای نقشه‌اش، این راز را آشکار کرد.

قبلاً به شما گفتم که این تصادفی نیست. قبل از بنیان جهان، او همه چیز را برنامه‌ریزی کرده بود. پولس می‌گوید که نقشه از قبل وجود داشته و او فقط دارد نقشه را عملی می‌کند.

در هدف نهایی خدا برای جمع کردن همه چیز در مسیح، او این راز را برای این منظور آشکار کرد. اینکه روزی، او همه چیز را در مسیح جمع خواهد کرد. من در حال مطالعه این کلمه بودم زیرا این کلمه، یعنی جمع کردن همه چیز، کلمه‌ای بوده است که محققان زمان زیادی را صرف تلاش برای باز کردن معنای آن کرده‌اند.

گاهی اوقات، ما فکر می‌کنیم که این کلمه مفهوم ریاست و جمع‌بندی همه چیز تحت ریاست را در بر دارد. اما در اصطلاحات مدرن، کلاسیک‌گرایان به ما کمک کرده‌اند تا متوجه شویم زبانی که در جای دیگری استفاده نمی‌شود، اما شاید یک بار در عهد جدید به کار رفته باشد، در ادبیات کلاسیک یافت می‌شود. و این زبانی است که در دادگاه استفاده می‌شود، به عنوان مثال، زمانی که یک وکیل یا یک فرد سعی در بستن یک پرونده دارد.

آنها این توانایی را دارند که تمام نکات کلیدی را خلاصه کنند تا بتوانند تمام مطالب را فشرده کنند تا مطمئن شوند که عناصر کلیدی برای تأثیرگذاری بر تصمیم را به طور مختصر در اختیار قاضی قرار می‌دهند. در آمریکا، ما برخی از این استدلال‌های پایانی را استدلال‌های پایانی می‌نامیم، به جز اینکه برخی از اظهارات پایانی خیلی طولانی می‌شوند. این ماهیت نکته‌ای نیست که اینجا مطرح می‌شود.

اما توانایی خطیب در جمع‌بندی نکات کلیدی در پایان، نوع زبانی است که در اینجا استفاده شده است. یا توانایی وکیل در انجام این کار، چیزی است که در اینجا در جریان است. پولس می‌گوید که خدا این راز را آشکار کرد تا در زمان مناسب، بتواند همه چیز را در مسیح عیسی خلاصه کند.

توجه داشته باشید، در مسیح عیسی. همه چیز واضح‌تر خواهد شد. جهان متفاوت‌تر دیده خواهد شد.

مردم دنیایی را که خدا بهتر ساخته است، درک خواهند کرد. وقتی آن زمان فرا برسد، همه چیز در آسمان و زمین در مسیح خلاصه خواهد شد. و امیدوارم، حتی با ادامه دادن، به خصوص در فصل ۳، این مفهوم واضح‌تر شود.

اما باز هم، اجازه دهید روشی بسیار خوب برای ارائه این مطلب به موجزترین شکل ممکن در یک تفسیر فرانسوی که اخیراً نوشته شده است، برایتان بخوانم. همانطور که یک خطیب یا نویسنده عناصر یک استدلال را کنار هم قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه آنها نکته اصلی گفتار یا انشا را نشان می‌دهند، مسیح نیز به جهان نظم خواهد بخشید. خداوند از مسیح برای گرد هم آوردن عناصر پراکنده خلقت، چه چیزهایی در آسمان باشند و چه چیزهایی روی زمین، استفاده خواهد کرد.

او ما را با هر نعمت روحانی برکت داده است، زیرا ما را در خود برگزیده است. او همچنین ما را نجات داده است.

رهای ما بهای سنگینی داشت، با این حال او به آن راه رفت و ما را بخشید. این باعث می‌شود راز او آشکار شود، و این راز در ابعاد مختلف تجلی می‌یابد. خب، نکته بعدی که می‌خواهم در این سطر طولانی به آن فکر کنید، بسته به آزمون غم و اندوهی که استفاده می‌کنید، این واقعیت است که، بله، او ما را انتخاب کرد، در درجه اول.

دوم اینکه، ما در او رستگاری داریم. بله. اما نکته دیگر این است که او ما را مَهر کرد.

- اینجا منظور از «ما» کیست؟ اینجا هنوز هم مهم است. او ما را مَهر کرد، ما که کلام حقیقت را شنیده‌ایم. آیه ۱۳.

در او، شما نیز، هنگامی که کلام حقیقت، بشارت نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر شدید، که ضامن میراث ماست تا زمانی که آن را به دست آوریم تا جلال او را ستایش کنیم. او. کسانی را که کلام حقیقت را شنیده‌اند، مهر کرد. بیایید این کلام را بدیهی فرض نکنیم.

حقیقت، نه فریب. من اغلب این را اینگونه بیان کرده‌ام. برای یافتن حقیقت، باید با کسی که می‌تواند با اطمینان بگوید، من راه، حقیقت و زندگی هستم، ارتباط برقرار کرد.

.عیسی مسیح. بله. کسانی که کلام حقیقت را شنیده‌اند.

و آنها همچنین کسانی هستند که مَهر شده‌اند و کسانی که ایمان آورده‌اند، زیرا این افراد، کسانی که کلام حقیقت را شنیده‌اند و به کلام حقیقت ایمان آورده‌اند، با روح القدس یا توسط آن مَهر شده‌اند. تصویرسازی قدرتمند.

بگذارید به چند نکته که مَهر کردن در پی دارد اشاره کنم. خب، اگر به کار روح القدس که پولس در سلسله قوانین خود مطرح می‌کند فکر می‌کنید، ابتدا به ودیعه فکر کنید. روح، ودیعه ای است که میراث ایمانداران را تضمین می‌کند.

دو، در مورد تضمین فکر کنید. روح القدس مَهری است که رهای از دارایی ایماندار را تضمین می‌کند. وای.

در آیه ۱۴، او می‌گوید چه کسی به روح القدس، تضمین میراث ما تا زمانی که آن را به دست آوریم، اشاره می‌کند؟ و حضور روح به عنوان یک وعده. اینکه روح، روح موعود است.

زیرا او می‌گوید، در واقع، این همان روحی است که از قبل وعده داده شده است. در پایان آیه ۱۳، ما به او ایمان داریم که با روح القدس موعود مهر و موم شده است. اشاره به وعده‌های مربوط به کار روح القدس. که در عهد عتیق شناخته شده است.

می‌خواهم که شما به طور جدی در مورد آن فکر کنید و متوجه شوید که این اشاره به عهد عتیق مهم است. بنابراین، من یک مثال از چنین وعده‌هایی، حداقل یک یا دو نمونه از چنین وعده‌هایی در عهد عتیق برای شما بیان می‌کنم تا متوجه شوید که چگونه ارزش مطالعه عهد عتیق و عهد جدید با هم به شما کمک می‌کند تا آنچه را که پولس می‌خواهد به کلیسای اولیه مسیحی و به ما منتقل کند، درک کنید. به عنوان مثال، یوئیل ۲: ۲۸-۲۹، من روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت.

پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد. پیران شما خواب‌ها و جوانان شما رؤیاها خواهند دید، حتی درباره غلامان و کنیزان.

در آن روزها، روح خود را خواهم ریخت. این همان متنی است که پطرس در کتاب اعمال رسولان نقل کرده است - متنی مشابه در حزقیال.

من به آنها یک قلب خواهم داد و روح تازه‌ای در درونشان خواهم نهاد. دل سنگی را از جسمشان بیرون خواهم آورد و دلی گوشتی به آنها خواهم داد. پولس استدلال می‌کند که روح، روح وعده داده شده، به اجرا درآمده است.

Arrabon در این کلمه یونانی . Arrabon و آن روح یک ضمانت است، یک تعهد است. کلمه یونانی اندرو لینکلن سعی کرد آن را به این شکل توضیح دهد.

آرابون، یا کلمه‌ای که به عنوان وثیقه در پیش‌پرداخت ترجمه شده است، چیزی که داده می‌شود، بخشی از یک کل بزرگتر است و از همان نوع آن کل است و به عنوان ضمانتی برای پرداخت کل مبلغ عمل می‌کند بنابراین، روح القدس اولین قسط و ضمانت نجات عصر آینده است که نحوه وجود آن کاملاً توسط روح القدس تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، این پیش‌پرداخت که با خدا انجام می‌شود، واقعی است.

به همین دلیل است که یک روز، همکارانم در انجمن ادبیات کتاب مقدس را تحریک کردم تا مقاله‌ای در مورد افسسیان ارائه دهند و شروع به تبلیغ پولس به عنوان یک کالوینیست افراطی کردم، زیرا اگر او ما را قبل از بنیان جهان انتخاب کرده و اگر ما را با روح القدس مهر و موم کرده و به ما اطمینان داده است که ضمانت ما برای آینده دست نخورده است، پس جای تعجب نیست که جان کالوین عاشق افسسیان بوده است. برای این ادعا، فقط می‌خواستم بدانم که من در میانه کالوینیسم و آرمینیانیسم هستم. اما اگر این را می‌خوانید، نمی‌توانید حاکمیت خدا و اینکه چگونه کار خدا در پسران و دختران انسان باید به آنها بفهماند. که نیازی به نامنی برای کسانی که به مسیح ایمان دارند، نیست را نپذیرید.

او حضور روح خود را به ودیعه گذاشته و تضمین کرده است، زیرا می‌داند که این میراث چیزی نیست که وجود داشته باشد و ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد، بلکه یک امید واقعی است، یک میراث ملموس برای به دست آوردن. بیایید آن را تضمین رستگاری در الهیات کلیسا بنامیم. بله، اگر آرمینین باشید، می‌دانم به چه فکر می‌کنید.

اوه، پس منظورت این است که هیچ‌کس نمی‌تواند نجات خود را از دست بدهد؟ اوه، بله، این چیزی نیست که من می‌گویم، اما نمی‌خواهم از این فراتر بروم. نکته پولس این است که این کاری است که خدا انجام داده است. او شما را برگزید، شما را نجات داد و شما را با قدرت روح القدس مهر کرده است، و میراثی را تضمین می‌کند، یک دارایی آینده که برای شما وجود دارد.

به همین دلیل است که ما باید در آنچه که من آن را دعای نفس‌گیر نامیده‌ام، بهترین باشیم و بگوییم. متبارک باد خدایی که ما را برکت داده، که ما را برگزیده، که ما را رهایی داده و که ما را مهر و موم کرده است. بیایید، کلیسا، برویم. بیایید نام او را متبارک بخوانیم.

این باعث می‌شود مسیحیت هیجان‌انگیز باشد. وقتی به افسسیان نگاه می‌کنم، انواع احساسات به من دست می‌دهد. مسیحی بودن چیز فوق‌العاده‌ای است، زیرا به خاطر کاری که خدا انجام داده است، ما باید بتوانیم هر روز صبح برخیزیم و نام او را متبارک بخوانیم.

و حالا که صحبت از روح القدس شد، اجازه دهید توجه شما را به چند نکته جلب کنم. مَهر روح در اینجا خشم خدا را شناسایی و در برابر آن محافظت می‌کند. به زبانی که پولس استفاده می‌کند، برخورد با مردم با روح و مفهوم مَهر نشان می‌دهد که خدا می‌تواند قوم خود را تشخیص دهد و آنها را نابود نکند و بیرون نراند.

او آنها را علامت‌گذاری کرده است، و بنابراین در خشم خود، آنها را دور نخواهد انداخت. وای. مَهر روح پیش‌پرداخت است و همچنین نشان می‌دهد که خدا مَهر خود را دارد که تأیید می‌کند میراث شما واقعی است.

با این حال، مَهر روح در مسیح اتفاق می‌افتد، مبدا آن را به بازار ببریم و برای فروش بگوییم که آیا به خدا ایمان دارید و به او اعتماد دارید یا نه. شاید به همین دلیل است که کسانی که امروز به مسیح ایمان دارند باید در تلاش برای ارزان فروختن مسیح بسیار بسیار محتاط باشند. رستگاری گران بود.

این به قیمت از دست دادن پسر یگانه‌ی خدا تمام شد. امتیازات عالی هستند، اما بیایید عجله نکنیم که آنها را به دیگران بگوییم. طوری وانمود کنیم که انگار مهم نیست که از هویت واقعی و ایمان خود به خداوند عیسی مسیح دفاع کنیم.

در این جمله طولانی، اگر زیر کلمه مسیح خط بکشید و ببینید چند بار کلمه مسیح تکرار شده، فوق‌العاده است. من از نحوه تدریس فرانک ماترا، یکی از محققان انجمن کتاب مقدس کاتولیک، در دانشگاه کاتولیک واشنگتن دی سی خوشم می‌آید. فکر می‌کنم فرانک ممکن است امسال یا سال آینده از دانشگاه کاتولیک واشنگتن دی سی بازنشسته شود. من نحوه بیان این جمله را دوست دارم و بنابراین دوست دارم جملات او را بخوانم.

نقش مسیح کاملاً جزئی جدایی‌ناپذیر از راز اراده خداست. پولس با تکرار حرف اضافه «در»، می‌داند که خدا افسسیان را در مسیح برکت داده است، آیه ۳، و آنها را در او برگزیده است، آیه ۴. در محبوب خود، به آنها فیض بخشیده است، آیه ۶. در او، آنها رستگاری را دریافت کردند، آیه ۷. در مسیح، خدا لطف خود را آشکار کرده است، آیه ۹، زیرا او تصمیم گرفته بود همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، در مسیح خلاصه کند، آیه ۱۰. بنابراین، در مسیح، افسسیان برگزیده شدند، آیه ۱۱.

برای نخستین کسانی که به او امید بسته بودند، آیه ۱۲. و در او، تمام حقیقت را شنیدند، آیه ۱۳. ببینید چند بار در او، در مسیح، ظاهر می‌شود.

و از خود بپرسید، چند بار در یک موعظه درباره مسیح می‌شنوید؟ در مکالمات مسیحی؟ پولس می‌گوید که ستایش خداوند، که ما را با هر نعمت معنوی برکت داده است، به این معنی است که درک کنیم بدون مسیح، ما هیچ چیز نداریم. اما در مسیح است که همه چیز داریم. اسنوگرس، که در پارک شمالی تدریس می‌کند، این را اینگونه بیان می‌کند.

آگاهی از حضور خدا و زندگی در مسیح، کلید تمام زندگی است. مردم گناه می‌کنند چون خدا را فراموش می‌کنند. چقدر عجیب است که ما جایی را که در آن زندگی می‌کنیم فراموش می‌کنیم.

اگر بدانیم که در حضور خدا و در مسیح زندگی می‌کنیم، می‌دانیم که در حضوری تعیین‌کننده زندگی می‌کنیم. زندگی ما توسط شخصیت مسیح و خدا تعیین می‌شود. مسیحیان باید خارج از محیط خود زندگی کنند.

از دل یک تعریف درونی، تعریفی درونی بیرون می‌آید که از بودن در مسیح و قدرت گرفتن از روح او ناشی می‌شود. فکر می‌کنم استاد مدرسه الهیات نورث پارک درست می‌گفت. من اسنوگرس را خیلی جالب یافته‌ام.

وقتی تفسیر اسنوگرس بر رساله افسسیان را می‌خوانید، او بدون هیچ عذر و بهانه‌ای می‌گوید که برای درک آنچه در رساله افسسیان می‌گذرد، باید به نحوه رفتار خود با مسیح نگاه کرد. گذشته از همه اینها، چگونه کسانی که به انجیل خداوند عیسی مسیح ایمان ندارند و آن را نمی‌پذیرند، می‌توانند متنی را که توسط یک رهبر مسیحی برای مسیحیان دیگر نوشته شده است، درک کنند؟ متنی که هدف آن توانمندسازی و تشویق آنها برای داشتن زندگی مسیحی بهتر است.

اسنوگرس بحث خواهد کرد. و اگر همه اینها را بفهمید، آنگاه در انتهای این سلسله طولانی از نیایش‌های نفس‌گیر، متوجه می‌شوید که یک جمله هدفمند و تکرارشونده نیز بارها و بارها تکرار می‌شود: آیه ۱۲ و آیه ۱۴. به ستایش جلال او.

بیاید او را که ما را برگزیده، ما را رهایی داده، و ما را مهر کرده است تا جلال او را ستایش کنیم. آیه ۱۲ و آیه ۶. برای ستایش فیض باشکوه او. ۱۳.

سپس، شما کم‌کم این محدوده تثلیث را در آنجا خواهید یافت. پدر، مسیح و روح‌القدس، همگی در این بحث مطرح شدند. وای

می‌بینید، کاری که پولس اینجا انجام می‌دهد این است که می‌گوید، به آنچه خدا انجام داده است نگاه کنید. و نام او را متبارک بخوانید. بیاید با درک آنچه خدا در فضایی سرشار از معنویت انجام داده است، بررسی این نامه را آغاز کنیم.

بت‌پرستی، جادو، ترس از شیاطین، ترس از فعالیت‌های شیطانی، ترس از بیمار شدن، و نداشتن مکانی برای شفا، زیرا مسیحیان نمی‌توانند به زیارتگاه آسکلپیوس بروند. او گفت، بیاید خدا را ستایش کنیم، که ما را با هر نعمت معنوی برکت داده است. باید به شما بگویم که بزرگ شدن در آفریقا و در یک روستای آفریقایی، بت‌پرستی واقعی بود.

فعالیت شیطانی واقعی بود. در واقع، من در روستایی زندگی می‌کنم که نوع خاصی از جادوگری توسط یک قبیله خاص انجام می‌شود، که چند تا از آنها را در منطقه خودمان داشتیم. آنها به زبان محلی به آن توکوه می‌گویند.

ممکن است کسی مراسم خاصی را انجام دهد و نام شخصی را ذکر کند و ادعا کند که او را کشته است. آن شخص می‌تواند صدها مایل دورتر باشد. بعداً، خواهیم شنید که آن شخص یا در اثر تصادف رانندگی یا به هر دلیل دیگری در همان زمان مرده است.

معمولاً اینها افرادی هستند که بسیار سالم هستند. ترس از این قدرت‌های شیطانی در شرایطی که من بزرگ شدم، واقعی بود. به عنوان یک پسر مسیحی، مجبور شدم چندین بار با همه اینها مقابله کنم.

چیز دیگر واقعی بود. مردم آمدند تا به این آیین‌ها ایمان بیاورند و وودو، جادوگری یا معابد کوچک، بت‌پرستان را برای سوزاندن و نابود کردن آوردند. وقتی به روستا برگشتم و صبح یکشنبه در کلیسا بودیم، چیزی را مشاهده کردم.

کسانی که آنقدر درگیر این چیزها شده بودند، مسیحی شدند و آزادی خود را یافتند. آنها قدرت خدا را در عظمت دیدند و دیدند که چگونه خدا از آنها در برابر همه این چیزها محافظت می‌کند. نحوه آواز خواندن آنها، نحوه رقصیدن آنها، گاهی اوقات آنها مرا به این واقعیت که من در غرب بیش از حد خرج کرده‌ام، به

چالش می‌کشند و من نمی‌دانم خدا چه کرده است. مخاطبان پولس دقیقاً می‌دانستند که خدا چه کرده است.

پولس نیز همین اعتقاد را داشت، و بنابراین آنها را برانگیخت تا در این نامه، خدا را ستایش کنند. چه کسی آنها را با تمام برکات روحانی برکت داده است؟ قدرت خدا واقعی است. او ما را برکت داده است.

بیایید برکات را در دست بگیریم. بیایید سرشار از اعتماد به نفس و یقین باشیم. بیایید هر روز از خواب برخیزیم و خدا را به خاطر کارهایی که در قلمرو نادیده به نمایندگی از ما انجام می‌دهد، شکر کنیم.

اگر برخی از آنها را نمی‌بینیم، می‌توانیم تصدیق کنیم که او ما را برگزیده است. او ما را رهایی بخشیده است. او ما را مَهر کرده است و ما نزد او میراثی داریم.

چه امید بزرگی. باشد که به این امید پایبند بمانیم. و امیدوارم که با ادامه این مطالعه، این همراهی با پولس را واقعاً غنی و پربار بیابید.

خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه بیستم، دعای بی‌نفس، افسسیان ۱:۳-۱۴ است.